**انترناسیونال ۶۳۷**

**وزن سیاسی کارگر در جامعه بالا رفته است**

**مصاحبه با اصغر کریمی**

در پلنوم ۴۴ حزب که اخیرا برگزار شد قطعنامه ای در مورد جنبش کارگری به تصویب رسید. در مورد این قطعنامه سوالاتی را با اصغر کریمی از رهبری حزب کمونیست کارگری مطرح کرده ایم.

***انترناسیونال:*** *مصوبات قطعنامه درباره جنبش کارگری بر مبنای شاخص هایی در مورد وضعیت سیاسی و اجتماعی در ایران است که در ابتدای قطعنامه آمده است. این شاخص ها در دوره اخیر چه تغییراتی کرده و تاثیر آن در جنبش کارگری به چه شکل است؟*

**اصغر کریمی:** این شاخص ها در یک بیان کلی دو چیز است. یک مساله مربوط است به شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه، بحران عمیق جمهوری اسلامی، سیاست تشدید ریاضت اقتصادی و دورنمای رکود و بیکاری و فقر و فلاکت بیشتر و به موازات آن تشدید سرکوب ها که دو رکن سیاست دولت روحانی و کل جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد. وجه دیگر آن مربوط میشود به مبارزات کارگران که بی وقفه ادامه دارد، تلاش گسترده فعالین و تشکل های کارگری، حضور خانواده ها در اعتراضات و ابراز وجود سیاسی جنبش کارگری در جامعه. یعنی در یک طرف با حکومتی بحرانی و اقتصادی ورشکسته مواجهیم و در طرف دیگر کارگران و مبارزاتشان و سنت هایی که به آن روی آورده اند و به سد محکمی در مقابل اجرای سیاست های ضد کارگری حکومت تبدیل شده اند. مبارزات معلمان نمونه ای از دست بردن به سنت های نوین مبارزه، استفاده از مدیای اجتماعی و شکل دادن به شبکه های اجتماعی قوی و موثر، خبررسانی و رسانه ای کردن مبارزات خود، نمایندگی کردن برخی خواست های عمومی جامعه و از اینطریق تبدیل شدن به یک وزنه مبارزاتی قوی است. این کشمکش برای هر دو سوی این معادله جدی است. نه دولت میتواند بدون تشدید ریاضت اقتصادی و تشدید فشار به فعالین کارگری ادامه حیات بدهد و نه جنبش کارگری میتواند این وضعیت را تحمل کند.

***انترناسیونال:*** *معرفی فعالین و چهره های جنبش کارگری چه جایگاهی دارد؟ آیا آنها را بیشتر زیر ضرب قرار نمی دهد؟*

**اصغر کریمی:** صرفنظر از اینکه فعالین کارگری که شناخته میشوند چقدر ضربه پذیر میشوند یا نمیشوند، که بعدا به آن میپردازم، اما هیچ جنبشی نمیتواند بدون داشتن رهبران و چهره های شناخته شده که آن جنبش را در سطح جامعه نمایندگی کنند، وزن و جایگاه سیاسی معتبری در جامعه پیدا کند و در تحولات سیاسی نقش تعیین کننده ای بعهده بگیرد. خفقان بی حد و حصر حاکم در زمان شاه و سرکوب بی امان جنبش کارگری، اجازه نداد نه تشکلی ساخته شود و نه رهبران شناخته ای پا به میدان بگذارند. بطوری که با انقلاب ۵۷ و فضا و فرجه زیادی که ایجاد شد، تشکل های کارگری و مشخصا شوراهای کارگری شکل گرفتند اما بدلیل فقدان یک سنت مبارزاتی جا افتاده، قوی و اجتماعی، جنبش کارگری رهبران خود را به جامعه معرفی نکرد و جایگاهی را که میتوانست پیدا نکرد. به سرعت سرکوب ها شروع شد و این فرجه از دست رفت. در دهه گذشته اما جنبش کارگری با سنت نوینی به میدان آمد و علیرغم سرکوب سیستماتیک و بیحقوقی کاملی که وجود دارد تشکل هایی را شکل داد و دهها فعال کارگری به جلو صحنه آمدند. علیرغم اینکه این تشکل ها به تشکل های توده ای قدرتمندی تبدیل نشدند اما بدلیل دست بردن به سنت های متفاوت و اجتماعی تر، به تشکل های موثری تبدیل شدند و همراه با رهبران شناخته شده که همیشه یک پایشان در زندان بوده است، سیمای متفاوتی از جنبش کارگری به جامعه داده شد. وزن اجتماعی جنبش کارگری در جامعه بالا رفت، به وزنه ای سیاسی تبدیل شد و موقعیت کاملا تازه ای پیدا کرد. وجود فرد است که به یک مبارزه چهره میدهد، به اهرمی برای پیشبرد اهداف آن جنبش تبدیل میشود و در تقابل جنبش ها با یکدیگر نیز وزن و ثقل آنرا بالا میبرد. این برای پیشروی جنبش کارگری چه در مبارزات روزمره و چه در مبارزات توده ای و سیاسی علیه جمهوری اسلامی اهمیت حیاتی دارد.

اما اینکه رهبران کارگری با علنی شدن بیشتر زیر ضرب قرار میگیرند بنظر من اینطور نیست. رهبران کارگری تحت نظام جمهوری اسلامی اعم از اینکه در سطح جامعه شناخته شده باشند یا نه، زیر ضرب قرار دارند. فرقش این است که به درجه ای که در جامعه شناخته شده باشند دستگیری و زندانی کردن آنها هزینه بسیار بیشتری برای جمهوری اسلامی دارد. سر یک جنبش بی نام و نشان را خیلی راحت تر میتوان زیر آب کرد. عملا هم در ده سال گذشته شاهد بوده ایم که جمهوری اسلامی علیرغم اینکه مدام فعالین کارگری را زندانی کرده است، اما اولا نتوانسته است جلو روند به میدان آمدن فعالین کارگری را بگیرد و ثانیا هر فعال کارگری که زندانی شده، با ادامه مبارزه در زندان و رسانه ای شدن آن، جمهوری اسلامی فشار بیشتری بر خود احساس کرده است. هر فعال کارگری که شناخته شده میشود دامنه نفوذش بیشتر میشود و تاثیرات بیشتری بر جنبش کارگری میگذارد. باید فعالین کارگری شناخته شده باشند تا رسانه ها بتوانند با آنها مصاحبه کنند، اسم و رسمشان همه جا مطرح شود، مردم آنها را بشناسند و از آنها محافظت کنند.

***انترناسیونال:*** *قبلا هم شمادر مطالب متعددی بر اهمیت حضور خانوده های کارگری در مبارزات کارگری تاکید کرده اید. چرا اینهمه تاکید؟ تجربه های تاکنونی در این زمینه را چگونه ارزیابی می کنید؟*

**اصغر کریمی:** من تاکید زیادی بر حضور خانواده ها کرده ام اما این هنوز کافی نیست و بسیار بیش از این باید بر این نکته محوری و حیاتی تاکید گذاشت. این وجهی از افزایش ثقل اجتماعی مبارزه کارگر در جامعه است. اگر خانواده های کارگران معدن سنگ آهن بافق به میدان نمیامدند آیا شاهد به حرکت درآمدن مردم شهر میبودیم؟ حتی امام جمعه بافق تحت فشار این جنبش تهدید به اعتصاب! کرد. چندین وزیر و استاندار و فرمانده سپاه و فرماندار و دهها مقام ریز و درشت حکومت دو ماه در حال جلسه و رفت و آمد بودند تا این غائله! را ختم کنند. قبل از این هم شاهد حضور خانواده ها در اعتراضات کارگران بوده ایم از جمله در کیان تایر و هفت تپه، اما بافق نقطه عطفی در این زمینه بود و بدنبال آن شاهد روند رو به رشدی در این زمینه بوده ایم و در مراکز متعددی همسران کارگران حضور یافته اند و این میرود که به سنت جا افتاده ای تبدیل شود. حضور خانواده ها خصلتی بسیار اجتماعی تر به مبارزه میدهد، این مبارزه ای در خیابان است و نه در چهاردیواری کارخانه و بلافاصله همه جا منعکس میشود. سکوت رسانه ها را زودتر میشکند، و سرکوب آن بسیار دشوارتر و هزینه بردارتر میشود. حضور خانواده ها در تجمعات اعتراضی کارگران لااقل در این مقطع جنبه سیاسی ندارد اما ثقل اجتماعی مبارزه کارگر در جامعه را بطور مستقیم و ثقل سیاسی کارگر را بطور غیر مستقیم بالا میبرد و فشار بیشتری به جمهوری اسلامی و کارفرما میاورد.

در شرایطی که کارگر بدلیل اعتراض با خطر اخراج مواجه است، دست به عصا میشود، اما همسران کارگران هیچ زنجیری ندارند که در مبارزه از دست بدهند و نقش مهمی میتوانند ایفا کنند. آنجا که کارگران شاغل محدود میشوند این همسران آنها هستند که میتوانند قدرت خود را نشان بدهند. بعلاوه اگر میلیون ها کارگر بیکار را در نظر بگیرید بیشتر متوجه اهمیت حضور خانواده ها خواهید شد.میلیون ها جوان بیکار به راستی نیروی عظیمی هستند و بخوبی قادرند با خواست کار یا بیمه بیکاری خانواده های خود را به میدان بکشانند و یک مبارزه جانانه را سازمان بدهند. متاسفانه هنوز فعالین کارگری و رهبران اعتصابات بهای لازم را به این مساله نمیدهند و به این دلیل باید بر اهمیت آن بیشتر تاکید کرد، توضیح داد و موارد موفق را مقابل دید همگان گذاشت تا این نیرو آزاد شود.

***انترناسیونال:*** *یکی دیگر از نکاتی که در این قطعنامه مورد تاکید قرار گرفته جلب حمایت های بین المللی از مبارزات کارگری است. چه اهمیتی برای اینکار قائل هستید؟*

**اصغر کریمی:** این نیز وجهی از جنبش نوین کارگری است. قدمت آن به کمپین عظیم و بزرگ حمایت از کارگران نفت در زمستان ۱۳۷۵ برمیگردد که برای اولین بار طبقه کارگر در مقیاسی جهانی متوجه مبارزات کارگران در ایران و خواست های آنها شد. تصویر رسانه ها از یک جامعه پیشاصنعتی و «شترسوار» جای خود را به تصویر یک جامعه صنعتی، سرمایه داری با یک طبقه کارگر صنعتی و پیشرو داد که برای حقوق خود از جمله حق اعتصاب و تشکل و قرارداد دسته جمعی زیر فشار سرکوب یک حکومت، که تا مغز استخوان با کارگران دشمنی دارد، مبارزه میکند. این راه را بر همبستگی جهانی در سالهای بعد هموار کرد. سازمان های کارگری در اقصی نقاط جهان از اعتصابات کارگری و بویژه از کارگران زندانی مطلع شدند و از آن تاریخ حمایت جهانی از مبارزه کارگران در ایران و تلاش برای آزادی کارگران زندانی به مبارزه طبقه کارگر ایران اضافه شد. این هم از اهمیت سیاسی برای فشار به جمهوری اسلامی برخوردار است و بدرجاتی جمهوری اسلامی را مجبور کرده است دست و پای خود را جمع کند و هم اهمیتی استراتژیک دارد. در مقابل جنبش های طبقه حاکم که انواع امکانات درون مرزی و برون مرزی را دارند و معمولا رسانه های دست راستی هم در کنار آنها هستند، طبقه کارگر نیز باید نیروی جهانی خود را به میدان بیاورد. خوشبختانه در حال حاضر، فعالین کارگری به این مساله اهمیت میدهند و این به وجهی از مبارزات آنها تبدیل شده است.

***انترناسیونال:*** *درباره جنبش مجمع عمومی تا به حال زیاد صحبت کرده اید. شرایط برای برپایی مجمع عمومی و راه اندازی یک جنبش مجمع عمومی چقدر مناسب است؟ موانع سر راه مجمع عمومی چیست؟*

**اصغر کریمی:** مجمع عمومی واقعی ترین و عملی ترین ظرف متشکل شدن کارگران در شرایط کنونی در ایران است. عملی است چون بویژه در جریان هر اعتصابی میتوان بلافاصله آنرا تشکیل داد. میتوان در تمام روزهای اعتصاب هر روز مجمع عمومی تشکیل داد و تبادل نظر و همفکری کرد. کارگران نورد لوله صفا سازمان یافته ترین مجامع عمومی را سال قبل برگزار کردند و نشان دادند که مجمع عمومی سازمان یافته نیز از زمینه عملی کاملا مناسبی برخوردار است. اگر هنوز برگزاری مجمع عمومی در روزهای عادی و منظم کردن آن دشوار، بنظر میرسدـ هر چند بنظر من امکانپذیر و عملی است ـ اما همین که اعتصاب شروع میشود، مطلقا مانعی در مقابل برگزاری مجمع عمومی وجود ندارد. و در شرایطی که اعتصابات در مراکز بزرگ و هر بار به مدت طولانی جریان دارد اگر در طول روزهای اعتصاب در این مراکز مجمع عمومی برگزار شود بسرعت جنبش مجمع عمومی شکل میگیرد و مشوق مراکز دیگر نیز خواهد شد.

***انترناسیونال:*** *در بند ۷ قطعنامه به مقابله با خانه کارگر و گرایش های رفرمیستی اشاره کرده است. از جانب آنها چه خطراتی جنبش کارگری را تهدید می کند و این مقابله به چه شکل می تواند باشد؟*

**اصغر کریمی:** باید بین خانه کارگر و نهادهای دست ساز رژیم با جریانات رفرمیست تفاوت قائل شد. خانه کارگر و شوراهای اسلامی دست ساز حکومتند برای مقابله با جنبش کارگری، باید اینها را افشا و منزوی کرد، شوراهای اسلامی را منحل کرد و بجای آنها نمایندگان واقعی کارگران را در مجامع عمومی کارگران انتخاب کرد. اینها گرایشی در درون جنبش کارگری نیستند. اما درمورد محافل و جریانات رفرمیستی و یا سنتی و عقب مانده، اینها گرایشی در جنبش کارگری هستند که باید آنها را نقد کرد و نازا بودن روش ها و سیاست های آنها را در مقابل توده کارگر گذاشت. گرایش رفرمیستی هرچند اینجا و آنجا بر برخی خواست های کارگران تاکید میکند و تا اینجا مشکلی نیست اما در عرصه سیاسی همیشه به جناحی از حکومت امتیاز میدهد، توهم ایجاد میکند و لبه تیز مبارزات کارگران را کند میکند. در جریان مبارزات معلمان بعنوان مثال شاهد بودیم چگونه این گرایش معلمان را به سکوت تشویق میکرد، حتی شعارهای الله اکبر میداد تا مانع شعارهای حق طلبانه معلمان شود. در بیانیه ها و قطعنامه ها نیز با سمپاتی به دولت روحانی برخورد میکند. این سیاست عملا کارگر را از نظر سیاسی خلع سلاح میکند، کارگران را سیاهی لشگر محافل حکومتی میکند، میان کارگران تفرقه ایجاد میکند، دلسردی بوجود میاورد و مانع آزاد شدن نیروی بالقوه کارگران میشود. بطور واقعی هر جا کارگران دستاوردی داشته اند نتیجه مبارزات رادیکال و بی تخفیف کارگران بوده است.

اگر خلاصه کنم در دهه گذشته جنبش کارگری سنت های تازه ای شکل داده و قدم به قدم جلو آمده است. از جلب همبستگی بین المللی با مبارزات کارگران تا شکل دادن به مجمع عمومی، از طرح خواست های عمومی مردم در قطعنامه ها، بیانیه ها و طومارهای کارگران تا مصاحبه ها و سخنرانی های رهبران کارگری، از به میدان آمدن چهره های شناخته شده تا حضور خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی و رسانه ای کردن مبارزات کارگران و از مبارزات و بیانیه های فعالین کارگری در زندانها تا مراسم هایی که برای کارگران جانباخته برگزار میشود یا استقبالی که از کارگران موقع آزادی آنها به عمل میاید، این مجموعه جنبش نوینی را در میان کارگران شکل داده است که در توازن قوای کمی مساعدتر، به سرعت به جلو صحنه سیاسی میاید و میلیون ها کارگر را متشکل میکند و نیروی عظیمی را به میدان میاورد. به جرات میتوان گفت که جنبش کارگری پایه های اولیه و محکمی را بطرف سنتی مدرن، کارا، اجتماعی و رزمنده شکل داده است که برگشت پذیر نیست. در شرایط کنونی باید پیرایه های سنتی و محدودنگر و غیر طبقاتی را از این جنبش کند و همه جا سنت های نوین را پر و بال داد. تنها با این سنت های نوین است که طبقه کارگر واقعا نیروی خود را آزاد میکند و قادر میشود همراه با حزب خود، جامعه را از شر حاکمیت طبقه استثمارگر رها کند و آزادی و رفاه و برابری را برای کل جامعه به ارمغان آورد.

حزب کمونیست کارگری مولفه های این جنبش نوین را گام به گام و بطور مستمر و سیستماتیک و مسنجم تئوریزه کرده و در عمل تلاش بی وقفه ای برای عملی شدن آنها به پیش برده است. خوشبختانه حقانیت این سیاست در میان طیف قابل توجهی از فعالین کارگری، جا افتاده و صرفنظر از میزان نزدیکی یا دوری آنها به حزب، با استقبال مواجه شده است. قطعنامه ای که در پلنوم اخیر حزب به تصویب رسید، در واقع حاصل این پیشروی در دهه گذشته بوده و در عین حال تلاشی است برای تحکیم و تقویت این گرایش در جنبش کارگری. شخصا امیدوارم طیف هر چه وسیعتری از فعالین کارگری و بویژه نسلی از فعالین جوان کارگری که در دل اعتصابات و اعتراضات سال های گذشته شکل گرفته است، هر چه بیشتر به اهمیت این جهتگیری پی ببرند و نقش تاریخی خود را عملی کنند.

**قطعنامه درمورد جنبش کارگری**

با توجه به

۱- چشم انداز رکود و فلج اقتصادی، تشدید سیاست های ریاضت کشی و اعمال فشار بیشتتر به فعالین و نهادهای کارگری

۲- گستردگی مبارزات کارگری و مقابله با تعرضات حکومت و کارفرمایان

۳- گسترش ابعاد اجتماعی مبارزات کارگری از جمله برپایی تجمعات اعتراضی بیرون از مراکز کار و نقش فعال خانواده ها در این مبارزات، و استفاده فعال و موثر از مدیای اجتماعی

۴- ابراز وجود سیاسی جنبش کارگری از طریق طرح مطالبات عمومی رفاهی و سیاسی مردم

۵- تقویت موقعیت طبقه کارگر و جناح چپ جامعه در مقابل دولت و طبقه حاکم و جنبش های بورژوایی و ناسیونالیستی از طریق ابراز وجود سیاسی و اجتماعی جنبش کارگری

۶- وجود نهادهای علنی متشکل از فعالین کارگری و فعالیت چهره های سرشناس جنبش کارگری در سطح جامعه

پلنوم کمیته مرکزی حزب، بر پیشبرد اقدامات زیر در این دوره تاکید میکند:

۱- معرفی مستمر کلیه فعالین و چهره های رادیکال جنبش کارگری و تشکل های کارگری مستقل از دولت به جامعه و تلاش برای تقویت همکاری میان آنها

۲- تلاش و فعالیت برای آزادی کارگران زندانی و حمایت از خانواده آنها

۳- رسانه ای کردن هرچه بیشتر مبارزات کارگری و از جمله تقویت حضور در مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی

۴- تقویت فعالیت بین المللی در جلب حمایت سازمان های کارگری و نهادهای انساندوست از جنبش کارگری در ایران

۵- تلاش مستمر برای حضور فعال خانواده های کارگران و جلب حمایت مردم از اعتراضات کارگری

۶- دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و پیشروی به سمت ایجاد تشکل های توده ای کارگری

۷- مقابله با خانه کارگر و سایر نهادهای دست ساز رژیم و نقد گرایشات رفرمیستی، عقب مانده و سنتی و حزب گریز در جنبش کارگری

پلنوم از رهبری حزب میخواهد که برای تقویت این سیاست، کلیه امکانات سازماندهی، سیاسی و تبلیغی خود در داخل و خارج کشور را در این زمینه هم جهت و بسیج کند.